



«ابراهیم نوروزی فر» تأکید کرد:

حرکت بسیج رسانه البرز به سوی
ارتقای کیفیت و پیوند با جامعه

دنیای هوادار

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

چهارشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

شماره ۱۷۹۶



چرا بریکس می تواند معادلات اقلیمی
را به نفع جنوب تغییر دهد؟

فناوری سبز، با طعم محلی

البرز در آستانه انتخاباتی حیاتی؛

یا انرژی پاک، یا آینده ای ناپاک

تاملی بر آنچه در رویداد «تحول نفتی» شنیده نشد؛

خام فروشی در لباس
چشم انداز؟

تحولات دوره ای مدیران فوتبال ایران

زیرزمین «دنیای هوادار»؛

این مدیران بی تقصیر!

جناب آقای محمد کایدی

با نهایت تأسف و تأثر، درگذشت پدرگرامی تان را صمیمانه تسلیت عرض می کنم. بی تردید فقدان پدر، اندوهی سنگین و جبران ناپذیر است. از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و مغفرت الهی، و برای جناب عالی و خانواده محترم، صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

مجموعه دنیای هوادار

همکار گرامی، جناب آقای محمد کایدی

با کمال تأسف و تالم مصیبت درگذشت پدرگرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم طلب آمرزش الهی و برای بازماندگان صبر جمیل از خداوند منان مسئلت داریم.

مدیرکل و همکاران فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز

یاد و خاطره شهدا،
به ویژه «شهید رضا
میرکمالی رابینی» که
۲۱ فروردین ۶۶ به
مقام شامخ شهادت
نائل گشت، گرامی باد



یمن خواستار تحقیقات بین‌المللی درباره جنایات آمریکا شد

«جمال عامر» -وزیر خارجه یمن- پیام‌های فوری را برای تعدادی از مسئولان و سازمان‌های بین‌المللی فرستاده و خواهان محکوم کردن تجاوز آمریکا به یمن و اعمال فشار برای پایان این تجاوزات شد. طبق گزارش المسیره، جمال عامر گفت: آمریکا تاکنون نزدیک به هزار حمله را علیه یمن هدف انجام داده که صدها تن از غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان و مراکز غیرنظامی از جمله بندر، فرودگاه‌ها، مراکز پزشکی، انبارهای آب و اماکن باستانی را هدف قرار داد. از جمله دیگر جنایات‌های آمریکا هدف قرار دادن بندر راس عیسی است که منجر به شهادت ۸۰ غیرنظامی و زخمی شدن ۱۵۰ نفر دیگر شد. سکوت جامعه بین‌المللی در قبال تجاوز آمریکا علیه یمن این کشور را به ادامه اقدامات خود برای نابودی توانایی‌های ملت یمن و ریختن خون آن‌ها تشویق کرده است.



چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ شماره ۱۷۹۶

دنیایسواداد

رویداد

۲

سرمقاله

تأمیلی بر آنچه در رویداد «تحول نفتی» شنیده‌نشده؛

خام‌فروشی در لباس

چشم‌انداز؟

مهرداد تیموری

در روزگاری که ژئوپلیتیک انرژی بیش از هر زمان دیگری در تلاطم است، سخنان معاون اول رئیس‌جمهور درباره تبدیل ایران به مرکز مبادلات انرژی منطقه، بیش از آنکه صرفاً یک وعده سیاسی باشد، حامل یک پیام استراتژیک است: ایران، اگر بخواهد، می‌تواند بار دیگر در قلب معادلات انرژی منطقه‌ای و جهانی قرار گیرد. اما این «اگر» دقیقاً همان جایی‌ست که همه چیز در آن گره می‌خورد.

محمدرضا عارف در رویداد «تحول در سرمایه‌گذاری و توسعه در بالادست نفت و گاز ایران» از آغاز «عصری تازه از مشارکت‌های بزرگ و هوشمندانه با جهان» سخن گفت. اما این مشارکت‌ها نه با شعار، که با اعتمادسازی، شفافیت و اصلاح ساختارها ممکن خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران با داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی و چهارمین ذخایر نفتی دنیا، از منظر منابع، کشوری ثروتمند است. اما در دنیای انرژی امروز، صرف منابع کافی نیست؛ مهم‌تر از منابع، قابلیت تبدیل آن‌ها به قدرت واقعی در بازار جهانی است. این تبدیل، نیازمند جذب سرمایه، ثبات حقوقی، تعامل سازنده با همسایگان و پذیرش قواعد بازی در عرصه بین‌المللی است. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که بازار انرژی امروز، تنها یک رقابت اقتصادی نیست، بلکه میدان نبردی ژئوپلیتیکی است. نقش بازیگرانی چون چین، روسیه، آمریکا، عربستان و قطر در تعیین قواعد این بازی به‌قدری پررنگ است که بدون استراتژی منطقه‌ای شفاف و دیپلماسی فعال، ایران صرفاً در حاشیه خواهد ماند.

ظرفیت‌های بالادستی نفت و گاز ایران بدون حضور فعال در زنجیره ارزش، همچنان در معرض خام‌فروشی و فرصت‌سوزی باقی خواهد ماند. تأکید بر «تحول» بدون اقدام مشخص در حوزه اصلاح قراردادهای نفتی، تسهیل حضور شرکت‌های خارجی و رفع موانع سرمایه‌گذاری، تنها تکرار تجربه‌های ناکام گذشته خواهد بود.

نکته‌ای که نباید فراموش کرد، بُعد انسانی این سرمایه‌گذاری‌هاست. توسعه بالادست نفت و گاز تنها وقتی ارزشمند است که به اشتغال پایدار، انتقال فناوری، کاهش شکاف‌های منطقه‌ای و افزایش تاب‌آوری اجتماعی منجر شود. اگر همچنان نابرابری و فقر در مناطق نفت‌خیز ادامه داشته باشد، هیچ افق-ی ولو طلایی‌ترین آن‌ها-مشروعیت نخواهد داشت.

در نهایت، اگر قرار است ایران ستون پایدار انرژی منطقه شود، این ستون باید بر پایه اعتماد، کارآمدی و همکاری چندجانبه بنا شود. بدون آن، چشم‌اندازها فقط در سخنرانی‌ها باقی می‌مانند.

ژاپن در تکاپوی یافتن متحدان تجاری

جنگ تجاری ترامپ؛

بهرزوفاداری

ژاپن نیز همچون چین برای مقابله با جنگ تجاری برخاسته از تعرفه‌های «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا، در تکاپوی یافتن متحدان تجاری است و در این چارچوب نخست وزیر این کشور قصد سفر به دو کشور ویتنام و فیلیپین را دارد.

شبکه خبری «ان‌اچ‌کی» ژاپن گزارش داد که شیگرو ایشیبا برای تبادل نظر در خصوص تعرفه‌های جدید دولت ترامپ، هفته آینده راهی ویتنام و فیلیپین می‌شود. این رسانه تصویری ژاپنی افزود: انتظار می‌رود در این ملاقات رهبران سه کشور علاوه بر تبادل نظر درباره اقدامات تعرفه‌ای دولت آمریکا، در زمینه تأثیرات این تعرفه‌ها بر اقتصاد جهانی و نظام تجارت آزاد بحث و رایزنی کنند.

این گزارش می‌افزاید: ایشیبا با توجه به تقابل تعرفه‌های تجاری چین و آمریکا که نگرانی‌های تجاری در سطح جهانی را به دنبال داشته است، در صدد تحکیم

روابط با کشورهای جنوب شرق آسیا است.

در همین حال خبرگزاری کیودو نیز روز جاری گزارش داد: جرج گلاس (George Glass) سفیر جدید آمریکا در توکیو، در ملاقات با نخست وزیر ژاپن نسبت به مذاکرات جاری بین توکیو و واشنگتن در زمینه تعرفه‌ها که قرار است دور دوم آن طی ماه جاری برگزار شود، ابراز خوشبینی کرد.

خبرگزاری رسمی ژاپن افزود: سفیر آمریکا در توکیو پس از ملاقات با ایشیبا به خبرنگاران گفت که افرادی متبحر از دو طرف در حال بحث و بررسی در زمینه چگونگی بهبود و تقویت اقتصاد بین دو کشور هستند و وی نسبت به نتایج آن بسیار خوش بین است.

گفتنی است، درحالی نخست وزیر ژاپن به کشورهای منطقه جنوب آسیای شرقی سفر خواهد کرد که پیشتر و طی روزهای اخیر شی جین پینگ رئیس‌جمهوری چین برای مقابله و مخالفت با تعرفه‌های تحمیلی دولت ترامپ به سه کشور ویتنام، مالزی و کامبوج سفر کرد.



رئیس‌جمهوری چین با انجام این سفرها و انتقال این پیام که «جنگ تجاری برنده‌ای ندارد»، تعمیق روابط با این سه کشور را خواستار شد.

خبرگزاری رویترز سفر شی به این سه کشور را تلاشی برای مقابله با تعرفه‌های تجاری ترامپ و ایجاد صف بندی در برابر این اقدام رئیس‌جمهوری ایالات متحده ارزیابی کرد.

«فارن پالیسی»: ترامپ، آسیا را از دست می‌دهد

را در مورد شراکت آمریکا ایجاد می‌کند. تعرفه‌هایی که قطب‌های آسیایی تولید مانند ویتنام و تایلند را هدف قرار می‌دهند، ثبات اقتصادی را تهدید کرده و به طور بالقوه کشورهای آسیایی را به سمت چین سوق می‌دهند. در نتیجه، برخی از متحدان آمریکا مانند کره جنوبی و ژاپن در حال بررسی تجارت سه‌جانبه با چین بوده و اروپا نیز روابط نزدیک‌تر با سازمان‌های تجاری آسیایی را مدنظر قرار داده است. این مقاله با برجسته ساختن خطر دلارزدایی علیه اقتصاد آمریکا، نوشت که همزمان با آنکه ثبات مالی آمریکا از سوی کشورهای آسیایی زیر سؤال رفته و چین از گام‌های اشتباه آمریکا بهره‌برداری می‌کند. از سوی دیگر روابط آمریکا و چین همچنان بحرانی است و جناح‌های رقیب در واشنگتن سیاست واحدی را در ارتباط با این کشور در دست ندارند. این مقاله در خاتمه نتیجه‌گیری کرد که غیرقابل اعتماد بودن آمریکا همراه با ماندگاری جغرافیایی و اقتصادی چین، نقش واشنگتن را به عنوان رهبر امنیتی منطقه تهدید می‌کند.

امنیت‌تقویت‌کرده، سلطه اقتصادی چین اقتصادهای منطقه را یکپارچه ساخته و آمریکا را به حاشیه می‌برد. بدین ترتیب واشنگتن از توافق‌نامه‌های تجاری کلیدی مانند موافقت‌نامه جامع و مترقی برای مشارکت ترانس پاسیفیک (CPTPP) و مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای (RCEP) حضور ندارد.

در ادامه این مطلب آمده است: تعرفه‌های سرسام‌آور ترامپ، قطع وابستگی به چین و درخواست از متحدان برای هزینه بیشتر در امور دفاعی، اقتصاد کشورهای آسیایی را مختل کرده و اطمینان‌پذیر بودن آمریکا را کاهش می‌دهد. دستور کار «اول آمریکا» ترامپ و برچیدن ابزارهای قدرت نرم، مانند سازمان امدادسازان USAID و صدای آمریکا، نشانه دوری گرفتن او از نظم پس از جنگ جهانی دوم است. میننگ نوشت: علی‌رغم تعهدات امنیتی آمریکا، تصمیم ترامپ در مرتبط ساختن امور تجاری و دفاعی و از جمله فشار بر ژاپن، کره جنوبی و تایوان برای افزایش هزینه‌های دفاعی، تردیدهایی



نشریه فارن پالیسی در مقاله‌ای سیاست «نامنسجم» دولت ترامپ در حوزه آسیا را موجب صعود چین و افول آمریکا در این منطقه دانست.

در این مقاله فارن پالیسی آمده است که سیاست‌های نامنسجم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، رشد چین در منطقه آسیا -اقیانوسیه را تسریع و دهه‌ها نفوذ آمریکا را تضعیف می‌کند.

به نوشته رابرت میننگ، پژوهشگر ارشد اندیشکده آمریکایی «استیمسون»، درحالی‌که تحولات امنیتی به طور تاریخی نقش آمریکا را به عنوان یک ضامن

مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا به سرعت پیش می‌رود

برنامه غنی‌سازی ایران را مطرح می‌کرد، تهران انگیزه‌ای برای دیدار در سطح فنی نداشت. آسوشیتدپرس خاطر نشان کرد: اما این سطح فنی همچنان پر از موانع احتمالی است. «یچارد نفیو» یکی از اعضای موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک که در جریان مذاکرات بر سر توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ در وزارت امور خارجه ایالات متحده در مورد تحریم‌های ایران کار می‌کرد، معتقد است که مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده ارزش گفت‌وگوهای کارشناسی در این است که آیا تعهد سیاسی برای انجام کاری وجود دارد یا خیر و کارشناسان فقط باید جواب آن را بیاورند.

اما این بدان معناست که مذاکرات بین «عباس عراقچی» وزیر امور خارجه ایران و «استیو ویتکاف» فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در غرب آسیا شکست نخورده است. «کلسی داوونپورت» مدیر سیاست منع اشاعه در انجمن کنترل تسلیحات که مدت‌هاست روز برنامه هسته‌ای ایران متمرکز است، می‌گوید: موافقت با گفت‌وگوهای فنی نشان می‌دهد که هر ۲ طرف اهداف واقع‌بینانه و عمل‌گرایانه را برای مذاکرات بیان می‌کنند و می‌خواهند جزئیات را بررسی کنند. او افزود: اگر ویتکاف در طول مذاکرات خود با عراقچی خواسته‌های حداکثری، مانند برچیده شدن

رسانه آمریکایی با اشاره به اینکه گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و واشنگتن به مرحله‌ای رسیده است که به عنوان سطح کارشناسی شناخته می‌شود، آن را نشانه پیشرفت سریع مذاکرات دانست. هیات‌های مذاکره کننده ایران و ایالات متحده تاکنون ۲ بار به‌طور غیرمستقیم با یکدیگر گفت‌وگو کرده‌اند. این رایزنی‌ها از روز چهارشنبه قرار است وارد سطح کارشناسی شود که به گفته کارشناسان، نشان می‌دهد که مذاکرات به سرعت پیش می‌رود. با این حال، کارشناسان در گفت‌وگو با خبرگزاری آسوشیتدپرس تأکید کردند که این لزوماً به معنای قریب‌الوقوع بودن توافق نیست،

یا انرژی پاک، یا آینده‌ای ناپاک

یاسمن یزدانی

روز جهانی زمین پاک، بیش از آن که مناسبت تقویمی باشد، تلنگری است برای سنجش رابطه ما با زمین؛ رابطه‌ای که در ایران، به‌ویژه در استان‌هایی چون البرز، دیگر نمی‌توان آن را فقط با عدد و نمودار و سیاست‌نامه اندازه گرفت. باید گوش خواباند بر تن زمین، نفسش را شنید و تبش را اندازه گرفت. و تب زمین البرز، بالا رفته است.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان البرز، «قرناتعلی محمدپور»، در گفت‌وگویی به مناسبت این روز، با زبانی روشن و در عین حال هشداردهنده، از ضرورت گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر گفت؛ از اولویت توسعه زیرساخت‌های انرژی پاک؛ از بحرانی سخن گفت که فقط در آمارهای اقلیمی خلاصه نمی‌شود، بلکه در نفس‌های بریده در ترافیک کرج، در زمین‌های خشکیده ساوجبلاغ، و در آسمانی که رنگ آبی‌اش کم‌جان شده، حضور دارد. اما چه باید کرد؟ و از کجا باید آغاز کرد؟ پاسخ محمدپور صریح است: «استفاده از انرژی‌های پاک دیگر یک انتخاب نیست، یک ضرورت است». این جمله، نقطه کلیدی روایت اوست؛ روایتی که نه فقط برای فعالان محیط زیست، بلکه برای هر شهروند، هر صنعتگر، و هر نهاد سیاست‌گذار باید آژیر خطر محسوب شود.

تاکید مدیرکل بر ظرفیت‌های خاص البرز در حوزه‌های صنعتی و فناوری، نشان می‌دهد که نگاه به مسئله فقط در سطح هشدار باقی نمانده، بلکه چشم‌اندازی از راه‌حل هم ارائه شده است. انرژی خورشیدی، اصلاح چرخه مصرف در صنایع، مدیریت بهینه منابع، و حتی فرهنگ‌سازی عمومی در مصرف انرژی، همگی ابزارهایی در دسترس‌اند؛ اما مسئله اصلی، اراده برای استفاده از این ابزارهاست. توسعه انرژی پاک، نیاز به بودجه و اراده سیاسی دارد، اما شاید بیش از همه، نیازمند مشارکت عمومی و «تغییر رفتار» باشد. تا وقتی روشن کردن کولر گازی در نیمه بهار و سوار شدن تک‌سرنشین‌ها بر خودروهای شخصی، یک «روال عادی» تلقی می‌شود، نمی‌توان از هیچ دولتی انتظار معجزه داشت. انرژی پاک، از خود ما آغاز می‌شود.

البرز یک استان ویژه است: از یک سو، نزدیکی به تهران و تمرکز صنعتی بالا، آن را در معرض آلودگی‌های چندجانبه قرار داده؛ از سوی دیگر، همین تمرکز صنعتی و زیرساخت‌های نسبی، فرصت کم‌نظیری برای تبدیل شدن به «الگوی انرژی پاک» در کشور فراهم کرده است. به‌ویژه که دولت چهاردهم، برخلاف بسیاری از دولت‌های پیشین، رویکردی نسبتاً همدلانه با مسائل زیست‌محیطی نشان داده و از پوشش‌هایی نظیر «زمین پاک، انرژی پاک» پشتیبانی کرده است. این فرصت باید غنیمت شمرده شود، وگرنه ممکن است خیلی زود دیر شود.

بحران‌های زیست‌محیطی، شبیه بحران سیاسی یا اقتصادی نیستند که بشود چند سال آن‌ها را به تعویق انداخت یا با یک توافق‌نامه درمان کرد. آسیب به زمین، زخمی است که اگر امروز درمان نشود، فردا می‌گندد. و آن وقت، دیگر نه بودجه‌ای برای بازسازی کافی خواهد بود، نه فناوری‌ای برای جبران، نه امیدی برای بهبود.

روز زمین پاک، فرصتی است برای دیدن آنچه روزمره بودنش، ما را نسبت به آن بی‌حس کرده: کوه‌هایی که در آن‌ها معادن بی‌محیا خاک را می‌درند، رودهایی که به فاضلاب آلوده بدل شده‌اند، و آسمانی که نفس کشیدن زیر آن، به چالش بدل شده. البرز، همزمان با توسعه صنعتی، باید به توسعه زیست‌محیطی هم متعهد بماند. و این تعهد، نیازمند سیاست، سرمایه، آموزش، و از همه مهم‌تر، مشارکت عمومی است.

زمین البرز هنوز زنده است، اما زخم خورده. توسعه انرژی پاک، نسخه‌ای واقعی برای التیام این زخم است. به شرط آن که «همه» بخشی از درمان باشیم؛ از دولت گرفته تا صنعتگران، از دانش‌آموزان تا مسئولان شهری. زمین، خانه ماست، و خانه را، باید پاک نگه داشت؛ نه فقط برای خودمان، بلکه برای آن‌هایی که هنوز نیامده‌اند.

همه مناطق صاحب بازار روز می‌شوند

با پیشنهاد شورای شهر کرج مقرر شد در هر منطقه از شهر یک بازار روز طراحی و احداث شود؛ این در حالی‌ست که از دهه ۸۰ تاکنون هیچ بازار روزی در کرج احداث نشده است. رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر کرج این خبر را اعلام کرد و گفت: توجه به معیشت مردم در مدیریت شهری با احداث روزبازارها در سطح مناطق آغاز شده است.

علیرضا رحیمی، از جمله این اقدامات را تکمیل و احداث هایپر در طبقه دوم بازار روز ماهان با وسعت حدود دو هزار متر مربع ذکر کرد که در آینده نزدیک به بهره‌برداری می‌رسد.



دنیای سوادادار

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۷۹۶

۳ در شهر

البرز

«ابراهیم نوروزی» را تأکید کرد؛

حرکت بسیج رسانه البرز به سوی ارتقای کیفیت و پیوند با جامعه



کارشناسان رسانه نیز به نقد تخصصی آن‌ها خواهند پرداخت و این فرایند به ارتقاء سطح کیفی آثار رسانه‌ای استان و تبادل تجربیات حرفه‌ای کمک می‌کند. نوروزی فر با قدرانی از تلاش بی‌وقفه خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای در انعکاس رویدادها و مأموریت‌های بسیج رسانه، بر ضرورت تداوم این همکاری‌ها برای تحقق اهداف فرهنگی، اجتماعی و انقلابی استان البرز تأکید کرد.

اصحاب رسانه با تعهد حرفه‌ای و حضور مؤثر خود، در پیشبرد مأموریت‌های فرهنگی بسیج رسانه نقشی غیرقابل انکار داشته‌اند و در سال جدید نیز این تعامل، محور برنامه‌ریزی‌ها خواهد بود. وی در ادامه با تشریح تقویم برنامه‌ای بسیج رسانه استان در سال ۱۴۰۳، از برگزاری چندین رویداد رسانه‌ای مهم خبر داد که با رویکرد تخصص‌محور طراحی شده‌اند.

مسئول سازمان بسیج رسانه استان البرز گفت: جشنواره جام رسانه‌ای امید با هدف پیوند میان رسانه و صنعت و معرفی تولیدکنندگان برتر استان، جشنواره طنین حریم رسالت ویژه بانوان فعال در حوزه رسانه و همچنین برنامه رسانه‌ای «ترور حقیقت» به منظور مقابله با جنگ روانی و تحریف واقعیت‌ها، در دستور کار قرار دارند.

وی همچنین به برگزاری دهمین دوره جشنواره رسانه‌ای ابودر اشاره کرد و افزود: پیش از آغاز رسمی این جشنواره، یک ویژه‌برنامه کارگاہی با حضور صاحبان آثار منتخب برگزار خواهد شد که در آن شرکت‌کنندگان به ارائه و تحلیل آثار خود پرداخته و

مسئول سازمان بسیج رسانه استان البرز با تبریک سالروز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تقدیر از تلاش‌های اصحاب رسانه، به تشریح برنامه‌های محوری، جشنواره‌های تخصصی و رویکردهای کیفی بسیج رسانه در سال جاری پرداخت و گفت: حرکت بسیج رسانه البرز به سمت ارتقای کیفی و پیوند با جامعه است.

«ابراهیم نوروزی فر» روز سه شنبه در نشست مشترک اصحاب رسانه استان البرز مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان با تجلیل از فداکاری‌های نیروهای مسلح در سپاه، ارتش و فراجا، از تلاش‌ها و همراهی‌های مستمر اصحاب رسانه تقدیر کرد.

وی با بیان اینکه رسانه‌ها در خط مقدم جنگ نرم و مقابله با هجمه‌های رسانه‌ای دشمن قرار دارند، گفت: نقش رسانه‌ها دیگر تنها به اطلاع‌رسانی محدود نمی‌شود، بلکه تحلیل، مطالبه‌گری، هوشمندانه، و ایجاد پیوند بین نخبگان و مردم، از مهم‌ترین مسؤولیت‌های آنان در عصر حاضر است.

نوروزی فر با اشاره به نقش کلیدی رسانه‌ها در بازتاب فعالیت‌های انقلابی، فرهنگی و اجتماعی، اظهار کرد:

رسانه موثرترین سلاح برای مقابله با دشمنان است

کشورما به کار گرفته است همان روش‌هایی است که استعمار پیر یعنی انگلیس در جهان پیاده کرده است.

نعمی افزود: کشور ما هشت سال جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشت اما امروز شاهد جهش علمی و صادرات محوری در حوزه‌های مختلف شاهد هستیم. مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان البرز با اشاره مواردی از اقدامات غیر حرفه‌ای برخی رسانه‌ها در استان گفت: باید اخلاق رسانه و حرفه‌ای در انتشار اخبار رعایت شود و نباید به آبروی دیگران خدشه وارد کرد.

وی بیان کرد: رسانه هم می‌تواند موثر و هم مخرب باشد؛ باید جنبه موثر آن را در جامعه اسلامی ترویج داد و از رفتارهای غیر اخلاقی اجتناب ورزید؛ رهبر معظم انقلاب سه وظیفه از جمله نقد و نظارت را برای رسانه‌ها تعیین فرموده‌اند که متأسفانه نحوه نقد و نظارت رسانه‌ای در کشور مناسب نیست.

نعمی با اشاره به ناترازی انرژی و برق در کشور گفت: امروز شاهد آن هستیم که بیش از ۷۰ هزار ویلا در منطقه چهارباغ البرز ساخته شده که بخش زیادی از آنها در خارج از بافت شهری قرار دارند و دارای انشعاب غیر مجاز آب و برق هستند.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان البرز ادامه داد: اصحاب رسانه در نظام اسلامی باید بتوانند به خوبی به رسالت خود در این بخش عمل کنند؛ باید از سلاح رسانه به خوبی علیه دشمنان استفاده کرد تا آثار تبلیغی آنها را بی اثر شود.

وی با اشاره به رویدادهای هشت سال دفاع مقدس گفت: در آن زمان کشور ما زیر ساخت مناسبی نداشت و کشورمان حدود یک هزار میلیارد دلار خسارت دید که اگر این جنگ به داخل کشور میرسید دهها هزار میلیارد دلار خسارت می‌دیدیم اما با استقامت رزمندگان اسلام دشمن در مرزها زمینگیر شد.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان البرز اظهار کرد: برخی رسانه‌های بیگانه مدعی هستند که ایران ۱۶ میلیارد دلار در سوریه هزینه کرده و نشانی غلط می‌دهند در حالیکه آمریکا هفت تریلیون دلار در منطقه خاورمیانه برای جنگ هزینه کرده و به نتیجه نرسیده است.

وی ادامه داد: برخی با تبلیغات دروغین افکار مردم را در خصوص مسائل منطقه به انحراف می‌کشاند که باید رسانه‌ها در این زمینه روشننگری کنند. تمام روش‌هایی که آمریکا در ۴۶ ساله گذشته علیه



مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان البرز با اشاره اهمیت جایگاه بین‌المللی رسانه گفت: امروز موثرترین سلاح برای مقابله با دشمنان انقلاب و نظام اسلامی استفاده مناسب از رسانه‌ها است. حجت الاسلام والمسلمین «محمد نعمی» روز سه شنبه در نشست درس اخلاق رسانه که در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز برگزار شد، افزود: امروز شیوه تبلیغات جهانی تغییر کرده و با ابزارهای نوین وارد کارزار شده‌اند.

وی گفت: امروز جهان شاهد آن است که ۵۱ هزار نفر در غزه شهید می‌شوند اما رسانه‌های نظام سلطه خاموش هستند بنابراین رسانه‌های جهان اسلام باید کار خود را به درستی انجام دهند.

مدیرکل حفظ آثار البرز: سپاه نهادی برخاسته از بطن مردم و انقلاب است

امروز به ستون فقرات امنیت، اقتدار و پیشرفت کشور تبدیل شده است. ادیبی با اشاره به جایگاه فرامی سپاه در حمایت معنوی از ملت‌های مظلوم به‌ویژه مردم فلسطین، عنوان کرد: آنچه امروز در نوار غزه رخ می‌دهد، نه فقط یک تراژدی انسانی، بلکه آزمون برای وجدان بیدار جهانیان است.

سردار سرتیپ دوم پاسدار «نادر ادیبی» روز سه شنبه به مناسبت سالروز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: دوم اردیبهشت‌ماه تنها سالروز تأسیس یک نهاد نظامی نیست، بلکه روز تجلی یک اندیشه راهبردی است؛ اندیشه‌ای که با هدف پاسداری از انقلاب اسلامی بر پایه ایمان، بصیرت، شجاعت و مسؤولیت‌پذیری شکل گرفت و

مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان البرز گفت: سپاه نهادی برخاسته از بطن مردم و انقلاب است که در تمام مقاطع حساس تاریخ، نقشی بی‌بدیل در دفاع از آرمان‌های امام و شهدا، حفظ تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تهاجمات خارجی و خدمت‌رسانی در شرایط دشوار ایفا کرده است.

نگاه دولت به کاهش سوخت‌های فسیلی

ایران کشوری با پتانسیل بالا در تولید انرژی‌های تجدیدپذیر است اما با این وجود بخش زیادی از سوخت آن فسیلی است که آلودگی‌های زیادی به همراه دارد بر این اساس دولت چهاردهم در تلاش برای توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر با هدف کاهش آلودگی و همچنین رفع ناترازی‌ها است که در این راستا سازمان محیط‌زیست تغییراتی در صدور مجوز نیروگاه‌های خورشیدی داده تا کار سریع‌تر پیش رود.

یک زمین بیشتر نداریم، قدرش را بدانیم، جمله‌ای که سال‌هاست آترامی شنویم، اما با توجه به وضعیت زیست‌مندان، منابع، معادن، گونه‌های گیاهی و جانوری آیا این جمله بر رفتار انسان‌ها تأثیری داشته است؟ ظاهراً که جواب منفی است، افزایش گازهای گلخانه‌ای، تشدید آلودگی هوا و از بین رفتن حدود ۱۰ هزار گونه جانوری در مدت ۱۰۰ سال اخیر گواه این ادعا است. به اعتقاد کارشناسان حذف گونه‌های جانوری از طبیعت بدترین بلایی است که انسان بر سر کره خاکی آورده و بزرگترین خسارتی است که بر زمین وارد کرده است.

این در حالیست که وقتی گونه‌ای را از دست می‌دهیم بازگشت آن به طبیعت کاری بسیار دشوار و گاهی غیر ممکن است، به عنوان مثال ببر هیرکانی و شیر یال کوتاه ارزنگ را از دست دادیم، دستکم ۲ میلیون سال زمان می‌برد تا دوباره آن گونه بتواند به طبیعت برگردد البته اگر هم تمام شرایط فراهم باشد، در غیر اینصورت باید به طور کامل فراموش کنیم که روزگاری چنین گونه‌هایی در زمین زیست می‌کردند، شاید به ظاهر فقط یک گونه از طبیعت حذف شده است اما می‌دانیم که تمام طبیعت و زیست‌مندان آن زنجیروار به هم متصل هستند و در نهایت دود این خلا به چشم همان انسانی می‌رود که زندگی و حیات را از آن گونه گرفت.

از طرف دیگر نابودی خاک و کاهش منابع آبی هم چالش‌های دیگری هستند که دامن زمین را گرفته‌اند، سرعت فرسایش خاک در ایران بسیار بالا است آمارها نشان می‌دهد فرسایش سالانه خاک در کشور ما ۱۶.۵ تن در هکتار یعنی ۷ برابر متوسط جهانی است، ایران به‌تنهایی ۷.۷ درصد فرسایش خاک جهان را به خود اختصاص داده است؛ این در حالی است که ایران فقط ۱ درصد وسعت جهان را داراست، مساله آنجاست که برای برگرداندن یک سانتیمتر خاک در اقلیمی مانند ایران به طور متوسط ۸۰۰ سال زمان نیاز است.

کانال‌های تأمین‌کننده آب خلیج گرگان از سه سال پیش مسدود شده‌اند

طی سال‌های اخیر خشکسالی و تغییر رژیم آبی، تغییر کاربری اراضی تالاب، بهره‌برداری بی‌رویه و ورود آلاینده‌های صنعتی، کشاورزی و شهری و... باعث خشک شدن و وسعت زیادی از خلیج گرگان شد. در سال ۱۴۰۰ برای احیای «خلیج گرگان» عملیات لایروبی خلیج گرگان با اعتباری بیش از ۵۲۰۰ میلیون ریال آغاز شد. به گفته معاون محیط زیست طبیعی اداره کل محیط زیست استان گلستان به دلیل افت قابل توجه تراز آب دریای خزر، به‌ویژه از سال ۱۳۹۰ ارتباط کانال‌های تأمین‌کننده آب خلیج گرگان به‌تدریج قطع شد، تا جایی که در سال ۱۴۰۱ هر سه کانال به‌صورت کامل مسدود شد.

دنیایک سوادار

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۷۹۶

جمعه

داستان جلد

چرا بریکس می‌تواند معادلات اقلیمی را به نفع جنوب تغییر دهد؟

فناوری سبز، باطعم محلی

قدرت اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک در حال رشدی دارد.

سیاست‌گذاری برای تاب‌آوری، نه فقط توسعه

سه محور اصلی نشست اخیر - چندجانبه‌گرایی زیست‌محیطی، دیپلماسی اقلیمی، و اجرای اصل مسئولیت‌های متفاوت - بیش از آنکه شعاری باشند، بیانگر تغییری عمیق در رویکرد سیاست‌گذاری کشورهای بریکس هستند: تغییری از توسعه‌گرایی کور به سمت تاب‌آوری بلندمدت. در دنیایی که بحران‌ها هم‌افزا شده‌اند و الگوهای رشد سنتی دیگر پاسخگو نیستند، بریکس با طراحی برنامه‌هایی چون «طرح رودخانه‌های پاک» و «مشارکت زیست‌محیطی شهری»، تلاش دارد تا هم به تخریب‌های گذشته پاسخ دهد، و هم از فروپاشی‌های آتی جلوگیری کند.

در کنار اقدامات دولتی، نکته مهم و کمتر دیده‌شده در مسیر بریکس، تأکید بر ظرفیت‌سازی اجتماعی و نسل‌های آینده است. «شبکه جوانان زیست‌محیطی بریکس» دقیقاً در نقطه‌ای قرار دارد که اکثر کنش‌های زیست‌محیطی مدرن از آن غافل مانده‌اند: پیوند بین آموزش، سیاست و اقدام. تربیت رهبران اقلیمی آینده، نه تنها به معنای انتقال دانایی و توانایی است، بلکه تلاشی برای ساخت آینده‌ای پایدار با ریشه‌هایی بومی است؛ آینده‌ای که نه از طریق تحمیل نسخه‌های غربی، بلکه با اتکا بر فهم محلی از اقلیم، توسعه و عدالت ساخته شود. «سکوی فناوری‌های زیست‌سازگار بریکس» نمونه‌ای هوشمندانه از پیوند نوآوری و بوم‌شناسی است. فناوری‌های سبز در کشورهای در حال توسعه، تنها زمانی

روز جهانی زمین، صرفاً یک مناسبت تقویمی نیست؛ هشداری نمادین است برای بازنگری در مناسبات ما با طبیعت، و تلنگری برای آنکه فهم تازه‌ای از توسعه، مسئولیت و زیستن در سیاره‌ای محدود را در سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی وارد کنیم. در سال ۲۰۲۵، این روز در حالی گرامی داشته می‌شود که نشانه‌های تغییر اقلیم، فروپاشی اکوسیستم‌ها، بحران تنوع زیستی، و ناپایداری منابع آب و انرژی از «پیش‌بینی» عبور کرده‌اند و به «زیست روزمره» بسیاری از مردم جهان بدل شده‌اند. اما در این بستر اضطرار، هم‌زمان شاهد شکل‌گیری بازیگرانی جدید و سازوکارهایی نو در حکمرانی زیست‌محیطی هستیم که می‌خواهند قطب‌نمای عدالت اقلیمی را از شمال به جنوب تغییر دهند. بریکس، یکی از مهم‌ترین این بازیگران است.

نشست اخیر وزرای محیط زیست گروه بریکس، با حضور کشورهایی که بخش عمده‌ای از جمعیت و رشد اقتصادی جهان را نمایندگی می‌کنند، نشان داد که مسئله محیط زیست دیگر محدود به نهادهای غرب‌محور و کنفرانس‌های سازمان ملل نیست. بریکس با طرح گفتمان «چندجانبه‌گرایی زیست‌محیطی» و تأکید بر اصل «مسئولیت‌های مشترک، اما متفاوت»، عملاً خواهان بازتعریف قواعد بازی اقلیمی است. این اصل، که از دیرباز یکی از خواسته‌های اساسی کشورهای در حال توسعه بوده، اکنون در دستور کار نهادهای بین‌المللی قرار گرفته که



می‌توانند مؤثر واقع شوند که با زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی آن کشورها هم‌راستا باشند. این سکوی تبادل دانش و فناوری، پاسخی است به سلطه فناوریانه کشورهای شمال که معمولاً با انحصار دانش و گرانی تجهیزات، عدالت اقلیمی را به تعویق می‌اندازند.

زمین، نه دارایی که میراث...

یادآوری روز زمین باید با این اصل همراه باشد که سیاره ما دارایی شخصی یا حتی ملی نیست، بلکه میراثی مشترک برای نسل‌های آینده است. در جهانی که همچنان بخش زیادی از حکمرانی محیط زیست بر مبنای منافع ملی و رقابت‌های ژئوپلیتیک انجام می‌شود، بریکس می‌کوشد تا الگوی مشارکتی و هم‌افزایی دیگری را به‌نمایش بگذارد؛ الگویی که از جنوب برخاسته، اما چشمانش به آینده‌ای جهانی دوخته شده است.

توپ‌وتور

با دعوت‌شدگان به اردوی تیم‌های ملی بزرگسالان و جوانان؛ تمرینات اردوی تیم ملی والیبال وارد فاز جدید شد

اصغر قلندری

با ورود مرتضی شریفی و امین اسماعیل نژاد، دو بازیکن لژیونر به اردوی تیم ملی، تمرینات این تیم وارد فاز جدیدی شد.

تمرین تیم ملی بزرگسالان والیبال ایران که از ششم فروردین با حضور ۱۵ بازیکن آغاز شده بود، از روز یکشنبه ۳۱ فروردین ماه ۱۴۰۴ با حضور ۲۸ بازیکن و با اضافه شدن دو لژیونر «امین اسماعیل نژاد و مرتضی شریفی» وارد فاز جدیدی شد.

این گزارش حاکیست: ملی‌پوشان کشورمان از ساعت ۱۱ تمرینات خود را زیر نظر کادر فنی آغاز کردند. سید میلاد تقوی رئیس فدراسیون والیبال به همراه علی اصغر مونس‌نایب رئیس و بهروز عطایی رئیس کمیته مربیان از جمله تماشاگران تمرین روز یکشنبه مردان والیبال ایران در سالن فدراسیون بودند.

بازیکنان حاضر در اردو ابتدا زیر نظر مربی بدنساز تمرینات کششی و گرم کردن خود را برگزار کردند، سپس در دو گروه به تمرینات بدنسازی و توپی پرداختند که پاس و دریافت درست، محور عمده و اصلی تمرینات توپی بود که زیر نظر محمد رضا تندرزان برگزار شد.

گفتنی است تمرینات تیم ملی والیبال ایران زیر نظر پیاتزا و توتولو سرمربی و مربی ایتالیایی تیم ملی والیبال کشورمان و برنامه‌های تمرینی و بدنسازی ویژه، از سوی کادر مربیان ایرانی با هدایت محمد رضا تندرزان به همراه

آلایز آنالین و مونیتورینگ همه روزه تا زمان حضور تمامی لژیونرها و پیاتزا در تمرینات ادامه خواهد داشت. عمران کوجیلی، اردلان سیدعباسی، محمد تریت، پوریا آریاخواه، آرمان صالحی، محمد رضا حضرت‌پور، شاهین توانا، امیرحسین ساداتی، احسان دانش‌دوست، امیر پژومان، یوسف کاظمی، مهدی جلوه، عیسی ناصری، علیرضا مصلح‌آبادی، امیررضا سرلک، علی حق پرست، ارشیا به‌نژاد، امیرحسین توخته، مصطفی نجفی، امیررضا آفتاب آذری، امین اسماعیل نژاد، مرتضی شریفی، ایلشن داودی پور، شایان محرابی، امیرحسن فلا عباسی، متین احمدی، حسین حاجی کلاته و موسی سخاوی بازیکنان حاضر در اردو هستند که شریفی و اسماعیل نژاد از روز یکشنبه به جمع آن‌ها اضافه شده‌اند.

امیرخوش‌خبر (سرپرست)، محمدرضا تندرزان، عبدالرضا علیزاده، علیرضا نادی، کامبیز یعقوبی، توحید اصغری، عیسی سنگدوینی و مهدی هادی (مربی‌ان)، امین شاکری (آتالی‌زور)، عرفان مداح (فیزیوتراپ)، ناصر نقره‌ای و سجاد نوری (ماساژور) کادر فنی تیم ملی والیبال ایران در این اردو را تشکیل می‌دهند که فرهاد نظری افسار بازیکن سابق تیم‌های ملی نیز به جمع مربیان ایرانی حاضر در اردو پیوست.

مرحله مقدماتی لیگ ملت‌های مردان سال ۲۰۲۵ با حضور ۱۸ تیم ایران، ایتالیا، آرژانتین، صربستان، کوبا، ژاپن، برزیل، ترکیه، بلغارستان، هلند، آلمان، فرانسه،

آمریکا، کانادا، لهستان، اسلونی، اوکراین و چین برگزار می‌شود.

مردان والیبال ایران در هفته نخست مرحله مقدماتی (۲۱ تا ۲۵ خرداد) به مصاف برزیل، آمریکا، اسلونی و اوکراین می‌رود، در هفته دوم و در شهر بلغراد (چهارم تا هشتم تیر ماه ۱۴۰۴) مقابل صربستان، آرژانتین، آلمان و هلند صف آرایی خواهد کرد و در آخرین هفته مرحله مقدماتی (از ۲۴ تا ۲۹ تیر) مقابل لهستان، چین، فرانسه و بلغارستان به میدان خواهد رفت.

لازم به ذکر است بر اساس برنامه ریزی انجام شده، با پایان مسابقات لیگ های کشورهای اروپایی روبرتور پیاتزا و تمامی لژیونرها بلافاصله به اردوی تیم ملی در تهران خواهند پیوست.

«مردان زیر ۲۰ سال دعوت شده به دومین اردو»

مؤمنی مقدم سرمربی تیم ملی والیبال جوانان ایران نیز ۲۰ بازیکن رابه دومین مرحله اردوی آماده‌سازی این تیم دعوت کرد.

بیست و سومین دوره مسابقات والیبال قهرمانی مردان زیر ۲۰ سال جهان از تاریخ ۲۷ مرداد تا نهم شهریور سال جاری در کشور چین برگزار می‌شود و ملی‌پوشان جوان ایران در فینال مسابقات قهرمانی مردان زیر ۲۰ سال آسیا، با برتری برابر کره جنوبی برای سومین بار پیاپی به قهرمانی در این رقابت‌ها دست یافتند و سهمیه حضور در رقابت‌های قهرمانی جهان را از آن خود کردند.

نخستین اردوی تیم ملی والیبال جوانان ایران که از ۱۶ فروردین ۱۴۰۴ در شهرستان نور مازندران آغاز شده بود، روز شنبه ۳۰ فروردین به پایان رسید و غلامرضا مؤمنی مقدم سرمربی تیم ملی والیبال جوانان ایران ۲۰ بازیکن را به دومین مرحله اردوی آماده‌سازی این تیم دعوت کرد که از دوم تا شانزدهم اردیبهشت ماه در (خانه والیبال مهرگان) شهر نور برگزار می‌شود.

ابولفضل مهدیان، محمدرضا آل جلیل، علی ممبینی، متین حسینی، مرتضی نریمانی، مانی علیخانی، سیاوش زمانی، امید شقلی، ماهان برزکار، آربین محمودی نژاد، طاهابهبودی نیا، پویا عرب، سبحان میرزاخانی، امیرعلی دولتی، علی عشقی نور، شنتیا به‌نژاد، عماد کاکاوند، علی غفاریان، مرتضی طباطبایی و امیرحسین نرغه‌ای بازیکنان دعوت شده به این مرحله از تمرینات هستند که باید ساعت ۲۰ (دوشنبه اول اردیبهشت) خود را به سرپرست تیم در شهرستان نور معرفی کنند.

کامران شریفی به عنوان سرپرست، غلامرضا مؤمنی مقدم (سرمربی) محمد حسین نجاتی، محمد منصوری و نوید مشجری (مربی‌ان)، حسین کرد فیروزجایی (فیزیوتراپ)، محمود محمدی (ماساژور)، مهدی حسن زاده (بدنساز) و سائد جدیدالاسلام (آتالی‌زور) کادر فنی تیم ملی جوانان در این اردو هستند.

همچنین در این مرحله از تمرینات بهمن جهانپدیده، احمد فتاح و کاویانپور به عنوان مربی، تیم ملی جوانان را همراهی می‌کنند.



رئیس صدا و سیما با صدور حکمی «جواد رمضان نژاد» را به عنوان رئیس سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) منصوب کرد. متن حکم پیمان جبلی رئیس سازمان صدا و سیما برای جواد رمضان نژاد به این شرح است: هدایت، نظارت و حمایت از رسانه های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی به منظور ایجاد نهضت تولید و انتشار محتوا و خدمات صوت و تصویر مبتنی بر اخلاق رسانه ای و فرهنگ اسلامی - ایرانی در فضای مجازی از مهم ترین مأموریت های ساترا است. انتظار می رود اهداف اساسی تأسیس این نهاد تنظیم گری را که قانون برعهده سازمان صداوسیما قرار داده است سرلوحه همه اقدامات آن نهاد در هدایت و نظارت مؤثر در فرآیند تولید و انتشار محتوا و خدمات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی، صدور مجوزهای لازم به ارائه دهندگان خدمات در این عرصه، تهیه و تنظیم نظام نامه ها، روش های اجرایی و دستورالعمل های کاربردی و ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر قرار دهید.

نگاهی به فیلم «داستان میامی» از منظر مؤلفه های کروکان گیری در سینمای نوار؛

از هر نظر معمولی!

سارا فردوسیان

- نقش راوی در «داستان میامی» چیست؟

در آن زمان در فیلم های دیگری با موضوعات مشابه نیز از این تکنیک استفاده شده است. فیلم هایی که در آن ها یک قدرت بالادستی، سعی بر برچیدن بساط یک قدرت فاسد دارد و این صدای محکم و رسا که فیلم را روایت می کند، معمولاً به موازات روایت کردن، به تحسین و تشویق آن قدرت بالادستی نیز می پردازد تا مبارزه شجاعانه خیر علیه شر را برای مخاطب تصویر کند که البته دست کم در این فیلم چندان موفق نیست و خوشبختانه امروزه نوعی اضافه کاری محسوب می شود و فیلم ها اغلب با استفاده از تصویر خود را روایت می کنند تا صدا و کلام.

و اما ادامه ی ماجرا. دختر جوانی به نام «هالی» (بورلی گارلند) به منظور پیدا کردن خواهر بزرگ ترش «گوئن» (ادل جرجز) به میامی می آید و در بدو ورود، قتل توسط یکی از افراد «تونی بریل» به نام «تد» پیش رویش اتفاق می افتد. مقتولین دو مرد کوبایی هستند که بعدها متوجه می شویم دوستان «هالی» بوده اند، اما از کیستی و علت به قتل رساندن آن ها، اطلاعات واضح و روشنی به ما داده نمی شود. زمانی که «هالی» از قصد و نیت «میک» خبردار می شود، به او می پیوندد تا هم در امان بماند و هم در این عملیات پاک سازی، سهمی داشته باشد و به نوعی انتقام کشته شدن دوستانش را بگیرد. اما به زودی درمی یابد که خواهرش «گوئن» برای «تونی» کار می کند و متأسفانه چیز زیادی هم از عواطف خواهرانه اش باقی نمانده است. هالی راه «میک» و عدالت را انتخاب می کند و از خواهرش روی برمی گرداند و حتی به دستگیری او کمک می کند. اما همه چیز به همین خوبی هم پیش نمی رود. درست لحظه ای که «میک» فکر می کند که تونی و افرادش را به بن بست رسانده است، خبردار می شود که «تونی» پسرش «گیل» را ردزیده و گروگان گرفته است. «تونی» از تنها نقطه ضعف «میک» به خوبی استفاده کرده است و حالا «میک» باید با احتیاط و دقت بیشتری کار را پیش ببرد. از این نقطه به بعد، «میک» موقتاً زور و خشم و اسلحه را کنار می گذارد و بیشتر عقل و هوشش را به میان می آورد، چراکه کوچک ترین دست از پا خطا کردنی ممکن است یا «گیل» را روانه ی یتیم خانه کند و یا او را از عزادار و بی فرزند. «میک» با همکاری پلیس و تلویزیون محلی، سناریویی را ترتیب می دهد که در آن، «تونی» بی آنکه بداند، جلوی دوربین های تلویزیون به تمامی کرده های غیرقانونی اش اعتراف می کند و حالا دیگر پرونده ی او تماماً بسته می شود و «میک» نه تنها به پسرش می رسد، بلکه «هالی» هم به خانواده ی دونفره ی آن ها اضافه می شود و فیلم در خوبی و خوشی مطلق، به پایان می رسد.

برویم سراغ دیگر نکات آزاردهنده ی داستان میامی. پلات فیلم حفره های فراوانی دارد. تقریباً در همه ی زمینه ها، اطلاعات ناقصی به مخاطب داده می شود. «میک فلگ» به خاطر گذشته اش «میک فلگ» است، اما ما چیز زیادی از این گذشته نمی دانیم و اگر مردانگی تیپیکال بری سالیوان و جذابیت ظاهری اش را نداشتیم، تقریباً دلایل و شواهدی برای پذیرفتن این قضیه موجود نبود که این آدم تنها کسی است که می تواند «تونی بریل» را حذف کند. و یا حتی خود «تونی بریل». ما می دانیم که او فرد شرور ماجراست، می دانیم که خطرناک و باهوش است، اما تنها چشمه مختصری از این خطرناکی و باهوشی به ما نشان

«داستان میامی» نوآر جنایی-درام کلاسیکی ست از دهه ی پنجاه آمریکا، به کارگردانی فرد اف. سیرز. یکی از آخرین بازمانده های این گونه ناب سینمایی آن دوره که حالتی مستندگونه دارد. فیلم داستان سرراستی دارد. شهر همانند موم در دستان گنگستر بانفوذی به نام «تونی بریل» (لوتر ادلر) است که خلافکار بودنش بر پلیس و حتی شهروندان پوشیده نیست، اما صرفاً به این دلیل که باهوش تر از آن بوده است که دم به تله بدهد، مدرکی علیه اش وجود ندارد و قانون نمی تواند مقابل او بایستد. عده ای از شهروندان تصمیم می گیرند که این مشکل را به تنهایی و مستقل از قانون حل کنند و در واقع بی قانونی را با بی قانونی بیشتر خنثی کنند. یکی از آن ها که وکیل است، پیشنهاد می کند که از یکی از موکلان سابق او که در گذشته، خود نیز خلافکار بوده است و با «تونی بریل» هم حسابی شخصی دارد که باید تسویه شود، کمک بخواهند. خلافکار سابق «میک فلگ» (بری سالیوان) نام دارد که امروز با هویتی جدید، به همراه پسر کوچکش، «گیل»، در مزرعه ای روزگار می گذراند و سال هاست که دیگر سبک زندگی متفاوتی دارد. اما مبلغی که به او پیشنهاد می شود، متقاعدش می کند تا باری دیگر سرکی به زندگی گذشته اش بکشد و بشود همان «میک فلگی» ی که حتی بر اندام غول بی شاخ و دمی چون «تونی بریل» هم لرزه می اندازد.

احتمالاً اولین نکته آزاردهنده «داستان میامی» که به نظر مخاطب امروزی می آید، راوی نادیده ی آن است که فضاهای خالی و سکوت های غالباً به جای فیلم را پر می کند و با لحنی گزارش گونه به ما می گوید که الان چه اتفاقی دارد می افتد و یا قرار است که بيفتد. ویژگی ای که امکان قرارگیری مخاطب در مسیر فیلم را محدود می کند و بین او و فیلم، دیوار شیشه ای قابل لمس می کشد. مخاطب امروزی، شاید هنگام تماشای فیلمی کمدی با داستان و فضایی ایزورد و یا فیلمی فانتزی که عاقدانه به دور از واقعیت است، انتظار این را داشته باشد تا عامل مزاحمی، در این مورد یک راوی نطلبیده و نالازم، مدام به او یادآوری کند که «تو درحال تماشای یک فیلم هستی و در این دنیای به خصوص هیچ چیز وجود ندارد که ساختگی نباشد». اما درحال تماشای فیلمی جنایی، چه کسی دلش می خواهد لذت کشف و نتیجه گیری و متصل کردن نقاط مربوطه به یکدیگر را از دست بدهد و فرد ناشناسی که حتی ارتباطی با فیلم ندارد، لقمه حاضر و آماده را به او دیکته کند؟ البته می دانیم که «داستان میامی» تنها نوآوری نیست که از راوی برای روایت کردن خود بهره می گیرد. نمونه ها بسیارند، اما با کارکرد و سیستمی متفاوت. بلوار سانس است باشکوه بیلی وایلدر را در نظر بگیریم. ما در آن فیلم هم راوی داریم، اما راوی ای که صرفاً گزارشگر نیست. راوی یکی از شخصیت های اصلی فیلم، «جو گلیس» است که گدگاری افکار و احساسات درونی اش را با ما شریک می شود و یا در رابطه با مسئله ای کامنت می دهد. راوی بودن او هم بعضی از نقاط درخشان فیلم نامه را با خود به همراه دارد و هم به علت غیرقابل اعتماد و متزلزل بودن شخصیت اش، به تم نیمچه گاتیک و ادگار آلن پویی فیلم می افزاید. به طور خلاصه، راوی در «بلوار سانس» نقشی فعال و مؤثر دارد. اتفاقی که در «داستان میامی» نمی افتد.



قطعات آشفته فیلم را به یکدیگر وصله پینه کند، اما کارگردان تنها به بازی کردن با نور و سایه در یکی دو صحنه بسنده می کند. تکنیکی که حتی در آن زمان هم، چندان جدید و نوآورانه حساب نمی شد. یکی در صحنه بازگشت «میک» به آتاقش در هتل و مواجهه اولیه اش با «هالی» که تن و اسلحه در دست او را می بینیم، اما چهره اش را نه؛ که البته از معدود لحظات خوب و هوشمندانه فیلم است و یکی دو دیالوگ جالب هم میان این دو شخصیت رد و بدل می شود. مخصوصاً آن لحظه ای که «میک» درحالی که توسط اسلحه «هالی» هدف گرفته شده است، لباس هایش را درمی آورد و «هالی» به او می گوید: «مهم نیست چقدر لباس هات رو دربیاری، اسلحه من همچنان می پوشونت» (همچنان در تیررس اسلحه من خواهی بود) و جای خالی دیالوگ های بیشتری از این دست، در سراسر فیلم به شدت حس می شود. دیگری هم لحظه ای است که یکی از افراد «تونی» بنابر نقشه و توطئه «میک» بر روی او اسلحه می کشد و چند ثانیه ای زمان می برد تا آن فرد از تاریکی بیرون بیاید و «تونی» و ما او را بشناسیم و متوجه شویم که او همان «تد» دست راست «تونی» است که از زبردست او بودن و انجام دادن کثافت کاری هایش به ستوه آمده است و حالا مقابل اوست.

داستان میامی تنها هفتادوپنج دقیقه است و همه چیز در همین مدت کوتاه گنجانده شده است. کارگردان عجول به نظر می آید و این عجله که علت اش را نمی دانیم، هم به ضرر فیلم عمل کرده است و هم به نفع آن. ضرر در ایرادات داستانی، عدم وجود شخصیت پردازی، فیلم نامه معمولی و کمبود تعلیق و عدم ایجاد کشش کافی دیده می شود و نفع در پوشاندن نسبی این موارد، با ریتمی سریع و مستقیم. به عبارتی، فیلم با همه ضعف هایی که دارد، در سرگرم کردن مخاطب تا حد خوبی موفق عمل می کند و او را آن قدری منتظر نگه نمی دارد که نکات منفی فیلم به صورتش کوبیده شوند. انگار که می خواهد مخاطب را به سریع ترین شکل ممکن به مقصد برساند تا مبادا در یکی از حفره های موجود بيفتد. یک پایان خوش و فائق آمن خیر بر شر را نیز به عنوان مقصد برای او در نظر گرفته است تا تماشای فیلم را با رضایت مندی تمام به پایان برساند، غافل از اینکه این رضایت مندی باید در طول فیلم شکل بگیرد، نه صرفاً در پایان آن.

داده می شود. در واقع درباره ی همه چیز بیشتر حرف زده می شود، تا اینکه به تصویر کشیده شود. داستان ها به جای اینکه تعریف شوند، صرفاً بازگو می شوند و انگار آن ماجرای راوی نادیده که پیش تر به آن اشاره شد، بر روی کلیت فیلم تأثیر گذاشته و فیلم تماماً با چنین فرمتی ساخته شده است. فرمتی که به مخاطب مجال نمی دهد حدس های درست و غلط بزند، شلرلوک هولمزبازی دربیارد و به درک و نتیجه شخصی برسد و یا حداقل خط داستانی واضحی در ذهنش شکل بگیرد. بلکه همه چیز را حاضر و آماده در اختیارش قرار می دهد و از او انتظار پذیرش دارد، اما حتی همین کار را هم به طور قابل باور و ملموسی انجام نمی دهد. در واقع از ابتدا تا انتها، حصار میانی مخاطب و فیلم وجود دارد که هر قدر منتظر کوتاه تر شدنش می مانیم، این اتفاق نمی افتد.

حفره دیگر، ورود پلیس به ماجرا است. در ابتدای فیلم، شهروندان با این منطق تصمیم به عملی کردن نقشه شان می گیرند که چون پلیس نیستند، لازم نیست با دست و پاگیری های قانون سر و کله بزنند و می توانند آزادانه تر عمل کنند. اما نه تنها در نهایت پای پلیس به ماجرا باز می شود، بلکه هیچ شماتتی هم از سوی پلیس بابت دخالت شهروندان و مخصوصاً یک فرد سابقه دار در چنین ماجرابی، صورت نمی گیرد و پلیس و قانون در این فیلم، چهره ای تماماً منفعل دارند و حضورشان غیرضروری و بی معنی به نظر می آید.

شاید یک شخصیت پردازی خوب و دقیق می توانست تا حدی حفره های پلات را بپوشاند، اما از آن هم خبری نیست. شخصیت ها بیش از آنکه شخصیت باشند، صرفاً تیپ اند و تیپ هم باقی می ماندند. تقریباً هیچ کدام هیچ ویژگی برجسته ای ندارند که آن ها را در ذهن ماندگار و یا کمی از هم تیپ های شان متمایز کند. زنان فیلم که می شود گفت حتی تیپ هم نیستند و به حدی کم رنگ اند که اگر از فیلم حذف شان کنیم، تغییر عجیب و قابل توجهی در داستان حاصل نمی شود. گویا فرد سیرز قصد داشته است که کمی از مردانگی جهان مردانه ی فیلم بکاهد، اما در این مورد نیز چندان موفق نبوده است.

داستان فیلم با همه حفره ها و کم و کاستی هایش، به شدت پتانسیل تعلیق دارد و شاید تعلیق درست و به جا می توانست

رئیس پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات گفت: یکی از اقدامات این پژوهشگاه هوشمند سازی است که در برنامه هفتم توسعه بر آن تاکید شده و باید گفت هوشمندسازی نیازمندی‌هایی دارد و شتاب‌زدگی در این حوزه به صلاح کشور نیست، بنابراین همکاری‌های بین‌دستگاهی در این زمینه بسیار مهم است.

به گزارش «دنیای هوادار»، لایلا محمدی -رئیس پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران- در نشست خبری رویداد نقش تنظیم‌گری در توسعه اقتصاد دیجیتال، اظهار کرد: پژوهشگاه ارتباطات که همان مرکز تحقیقات مخابرات است، در سال ۱۳۴۹ با قانون مجلس تاسیس شد که دلیل آن‌های تک بودن حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات است که در آن زمان نیازمند توسعه بود و ایفای نقش کرد.

وی افزود: در دوره جدید مأموریت‌های وزارت ارتباطات، پژوهشگاه به عنوان بدنه پژوهشی که ذیل وزارت ارتباطات است، نقش‌های متعددی را بر عهده دارد که یکی از آن‌ها رصد آینده بوده که بسیار سریع اتفاق می‌افتاد.

محمدی گفت: توسعه زیرساخت‌های آزمایشگاهی که باید شکل بگیرد، بسیار مهم است و به دلیل سابقه پژوهشگاه در ایجاد آزمایشگاه این کار را دنبال می‌کنیم و در دولت جدید پژوهشگاه نقش مرجع آزمایشگاه را بر عهده دارد. همچنین شتاب فناوری به گونه‌ای است که تخصص افراد در دانشگاه اکنون کفاف نمی‌دهد، بنابراین بخش آموزش‌های مهارتی و بازآموزی متخصصین از دیگر اقدامات پژوهشگاه ارتباطات است.

رئیس پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات تصریح کرد: با ایجاد فناوری‌های نوین، شرکت‌ها به نیروهای متخصص نیاز دارند البته پایه دانشگاهی آن وجود دارد اما در حوزه فاوا پژوهشگاه نقش کلیدی ایفا می‌کند. بحث دیگر هوشمندسازی است که در برنامه هفتم توسعه بر آن تاکید شده است. هوشمندسازی نیازمندی‌هایی دارد و شتاب‌زدگی در این حوزه به صلاح کشور نیست، بنابراین همکاری‌های بین‌دستگاهی در این زمینه بسیار مهم است.

او ادامه داد: باید گفت هوشمندسازی بدون ایجاد تعامل با سایر دستگاه‌ها اتفاق نمی‌افتد که اگر مقدمه کار ایجاد شود، ثمره آن قابل مشاهده خواهد بود.

در ادامه این جلسه، فرامرز رستگار - دبیر و هیأت مدیره سندیکای صنعت مخابرات ایران اظهار کرد: زمانی که از صنعت صحبت می‌شد، فعالان یاد کارخانه می‌افتادند اما اکنون صنعت همه بخش‌ها را برعهده می‌گیرد. اگر این رویداد را به سه بخش تقسیم کنیم، یکی از آن تنظیم گری است.

وی افزود: بخش‌هایی که در برنامه هفتم توسعه گفته شده، همه بخشی از صنعت است. نکته قابل توجه این است که بخشی که در آن رویداد برای نمایشگاه تدارک دیده شده، بخشی بود که درباره آن نگرانی وجود داشت بنابراین نگرانی‌ها زمانی برطرف می‌شوند که به درستی درباره آن تدبیر شود.

سامانه دفاتر تجاری الکترونیکی سازمان امور مالیاتی فعال شد

رئیس کل سازمان امور مالیاتی، بخشنامه آغاز فعالیت سامانه دفاتر تجاری الکترونیکی که از روز گذشته برای مودیان مالیاتی در سراسر کشور اجرایی می‌شود را ابلاغ کرد. بر اساس این بخشنامه یک دوره ۱۵ روزه تا ۱۷ اردیبهشت برای آشنایی مودیان مالیاتی با این سامانه در نظر گرفته شده است و سپس از ۱۸ اردیبهشت این سامانه به صورت عملیاتی در خواهد آمد.

پلمپ دفاتر تجاری مودیان مالیاتی به صورت برخط از سوی سوی سازمان ثبت اسناد و املاک انجام خواهد شد.

«دنیای هوادار» از بحران ملی قاجاق سوخت می‌گوید؛

روایت زخم کهنه‌ای که با «دستگیری» درمان نمی‌شود



که با زندگی‌اش قمار می‌کند تا چند میلیون درآمد غیربایاثبات کسب کند، محصول فقر مزمن نیست؟ شاید وقت آن رسیده نگاه به این افراد از «مجرم» به «قربانی نظام‌های ناقص اقتصادی و توسعه‌ای» تغییر یابد.

حواله؛ حلقه گمشده یا گلوگاه فساد؟

وقتی یک سیستم حواله‌ای که قرار است به مصرف‌کننده نهایی سوخت خدمت‌رسانی کند، به راحتی تبدیل به کانال قانونی برای خروج میلیونی لیترها سوخت از شبکه می‌شود، این یعنی طراحی سیاست‌گذاری درگیر ناکارآمدی، فسادپذیری و خلاء نظارتی است. ساختار حواله‌ها باید شفاف، دیجیتال، نظارت‌پذیر و بین‌دستگاهی باشد. سامانه‌هایی چون کدینگ جایگاه‌ها اگرچه گام مثبتی هستند، اما در برابر حجم کل ماجرا صرفاً تسکینی موقتی‌اند.

دادستان کرمان به‌درستی بر لزوم همراهی استان‌های همسایه تأکید کرده است. قاجاق، مرزهای استانی نمی‌شناسد. اگر در کرمان ایست بازرسی فعال شود، اما در سیستان و بلوچستان یا هرمزگان مسیر باز باشد، کل زنجیره بی‌اثر می‌شود. این یعنی مقابله با قاجاق نیازمند اراده‌ای منطقه‌ای، برنامه‌ای بین‌استانی و سازوکاری هماهنگ است. قاجاق، شبکه‌ای است و برخورد با آن نیز باید شبکه‌ای باشد، نه جزیره‌ای. پرسش اصلی این است: وقتی ریشه‌های قاجاق سوخت در هم‌تنیدگی فقر، فساد، ناکارآمدی ساختاری و نگاه‌های مقطعی ریشه دارد، راه‌حل چیست؟ نخستین گام، تغییر زاویه دید حاکمیتی نسبت به این پدیده است. باید قاجاق سوخت را نه صرفاً یک تخلف کیفری، بلکه یک «نشانه‌ی هشداردهنده از اختلال در سیاست‌گذاری انرژی» تلقی کرد. از این منظر، نگاه باید از «مقابله با مجرم» به «اصلاح ساختار» و «پیشگیری سیستمی» تغییر یابد.

یکی از اقدامات ضروری، بازتعریف سهمیه‌بندی هوشمندانه سوخت برای بخش‌های غیرحمل‌ونقل است. مصرف غیرشفاف در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و نیروگاهی، فضایی فراهم می‌کند که حواله‌ها به جای استفاده در محل مصرف، به ابزار کسب سود برای دلالتان تبدیل شود. سامانه‌های تخصیص باید مبتنی بر موقعیت مکانی، سابقه عملکردی و نیاز واقعی طراحی شود، نه صرفاً بر مبنای مکاتبات اداری یا توصیه‌نامه‌ها. افزون بر آن، توسعه اشتغال و رفاه در مناطق مرزی و محروم باید

فرازاسدی

آمارها هشدار می‌دهند. نه فقط هشدار اقتصادی یا امنیتی، بلکه نشانه‌ای از یک زخم عمیق و ساختاری در بطن سیاست‌گذاری و حکمرانی سوخت در ایران. گزارشی که از سوی دادستان عمومی و انقلاب استان کرمان منتشر شد، تنها بیانگر حجم سنگین قاجاق سوخت در این استان نیست؛ بلکه آیینی‌های تمام‌نما از تناقض‌ها، ناکارآمدی‌ها و غیبت نگاه توسعه‌محور در برخورد با پدیده‌ای پیچیده و ریشه‌دار به نام «قاجاق سوخت» است.

در سال ۱۴۰۳، بیش از ۱۱ میلیون لیتر فرآورده نفتی قاجاق صرفاً در استان کرمان کشف شده. در کنار آن، ۳۸۷۷ خودروی موسوم به «شوتی»، ۵۱۶۴ وسیله نقلیه و ۶۶۵۹ متهم مرتبط با قاجاق سوخت شناسایی و دستگیر شده‌اند. این اعداد در ظاهر ممکن است دستاوردی برای دستگاه‌های مقابله تلقی شوند، اما در باطن، بیانگر گسترش زیرزمینی یک اقتصاد موازی و آلوده‌اند که سال‌هاست بدون علاج ساختاری در حال گسترش است.

آیا مسئله صرفاً «جنایت» است؟

رویکرد کیفری، جزایی و پلیسی در قبال پدیده قاجاق سوخت، هرچند ضروری، اما به‌تنهایی نه‌کافی است. وقتی ۱۶ میلیون لیتر سوخت فقط در یک پرونده در سه شهرستان جنوبی با حواله صوری از شبکه رسمی خارج می‌شود، این دیگر صرفاً کار چند قاچاقچی خردپا یا راننده شوتی نیست؛ این نوعی فساد سیستمی است که در هم‌تنیدگی دولت، مجوز، حواله، شبکه توزیع و خلاء نظارت معنا پیدا می‌کند.

دستگاه قضایی در استان کرمان به درستی به چالش صدور حواله و خروج رسمی سوخت از شبکه اشاره کرده است؛ ۷۵ میلیون لیتر گازوئیل روزانه با حواله صادره از سوی وزارتخانه‌های صمت، جهاد کشاورزی و نیرو از سیستم توزیع خارج می‌شود. اگر حتی بخشی از این میزان به سمت قاجاق برود، یعنی مشکل در «زیرساخت حکمرانی» است، نه صرفاً در یک کامیون دیو یا یک راننده قاچاقچی.

راننده‌های شوتی، نماد چشم‌نواز تیتراها هستند؛ ماشین‌های پرسرعت، بارهای سوختی، تصادف، فرار از جاده‌های خاکی و تعقیب‌و‌گریز پلیس. اما کمتر کسی می‌پرسد این افراد چرا شوتی می‌شوند؟ از کدامین خاک و فقر و نابرابری می‌آیند؟ آیا کسی

ازبکستان خواستار سرمایه‌گذاری ایران در شیلات این کشور شد

کمیسون مشترک دو کشور، از کارخانه‌های غذای آبزیان و مزارع پرورش آبزیان بازدید کنند. در این جلسه طرف ازبکستانی با اشاره به برگزاری کمیسون مشترک دو کشور در اردیبهشت ماه سال جاری، آمادگی خود را برای استفاده از تجارب جمهوری اسلامی ایران در زمینه آبزی‌پروری، تجارت آبزیان و خوراک آبزیان اعلام و خواستار سرمایه‌گذاری ایران در آن کشور شد.

شیلات کشور با شریف‌اف مدیر وزارت کشاورزی و کادیف رئیس اتحادیه شیلاتی جمهوری ازبکستان، زمینه‌های همکاری شیلاتی دو کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این جلسه، مختاری با اشاره به صادرات آبزیان و خوراک به آن کشور، آمادگی شیلات ایران را برای گسترش همکاری در زمینه‌های فوق اعلام کرد و مقرر شد هیأت ازبکستانی به هنگام برگزاری

هیاتی از وزارت کشاورزی و اتحادیه شیلاتی جمهوری ازبکستان، آمادگی خود را برای استفاده از تجارب جمهوری اسلامی ایران در زمینه آبزی‌پروری، تجارت آبزیان و خوراک آبزیان اعلام و خواستار سرمایه‌گذاری ایران در آن کشور شد. به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از وزارت جهاد کشاورزی، در دیدار عباس مختاری مدیرکل دفتر بهبود کیفیت، فراوری و توسعه بازار آبزیان سازمان



وقتی چرخ تولید

با پایهای دهنده می چرخد

حمید رشید

در نگاه اول، ورزش کارگری شاید حاشیه‌ای‌ترین شاخه از منظومه بزرگ ورزش کشور به نظر برسد؛ پدیده‌ای فراموش شده میان پرزرق و برق‌ترین رقابت‌های قهرمانی و لیگ‌های حرفه‌ای. اما همین ورزش، در دل کارگاه‌ها، سوله‌ها، خطوط تولید و شیفت‌های شب، حامل مهم‌ترین پیوند میان سلامت، هویت شغلی و نشاط اجتماعی است. حمایت اخیر وزارت ورزش از کاروان اعزامی کارگران به مسابقات جهانی یونان، نه فقط یک خبر خوش، بلکه تلنگری است به یک ضرورت مغفول: اینکه ورزش کارگری، بیش از آنکه هزینه باشد، سرمایه‌ای اجتماعی است.

کارگران، ستون‌های فیزیکی جامعه‌اند. بدن آن‌ها ابزار اصلی زندگی و معیشت است. از این منظر، سلامت جسمی آنان نه فقط یک مسئله فردی، که امری عمومی است. ورزش، بهترین پادزهر در برابر فرسودگی، آسیب‌های شغلی، افسردگی ناشی از مشاغل تکراری و یکنواخت، و حتی تهدیدهای اجتماعی نظیر اعتیاد یا طلاق است. ورزش کارگری، ابزاری است برای توانمندسازی انسانی طبقه‌ای که اغلب صدای بلند در رسانه‌ها ندارد، اما ریه‌های اقتصاد کشور با نفس آن‌ها می‌چرخد.

در همین جاست که اعزام تیم ملی ورزش کارگری به مسابقات جهانی - با حضور در ۹ رشته و برای نخستین بار با حمایت مستقیم وزارت ورزش - اهمیتی فراتر از یک حضور نمادین پیدا می‌کند. این کاروان، حامل صدای طبقه‌ای است که دیده نمی‌شود، اما هر روز دیده‌بان چرخیدن ماشین تولید کشور است.

حضور جهانی: بازسازی منزلت

تجربه قبلی در ایتالیا - که به دلیل عدم دریافت ویزا از دست رفت - نمادی بود از همان بی‌توجهی نهادی و ساختاری به ورزش کارگری. اما امسال، حمایت ۵ میلیاردی وزارت ورزش، شاید اولین قدم معنادار برای ترمیم این نگاه تبعیض‌آلود باشد. کارگرانی که امروز در دوومیدانی، تنیس، جودو، کشتی و شش به میدان می‌روند، نه صرفاً برای مدال، بلکه برای بازسازی یک منزلت به صحنه آمده‌اند؛ منزلتی که هر بار پشت درهای بسته سیاست‌گذاری ورزشی گم شد. ورزش کارگری یک «جایزه» نیست که در شرایط خاص داده شود؛ یک «حق» است، و حمایت از آن، یعنی پذیرش اینکه کارگر نه فقط یک بازوی اقتصادی، که یک موجود فرهنگی، اجتماعی و انسانی است که باید فرصت بروز توانایی و هویت داشته باشد.

نکته مهم‌تر، در خود نگاه مدیران ورزش نهفته است. مدیرانی چون مناف هاشمی و دنیامالی که از سوی رئیس فدراسیون ورزش کارگری به‌عنوان چهره‌هایی با نگاه مثبت به این حوزه توصیف شده‌اند، اگر این مسیر را نه به‌عنوان حرکتی تبلیغاتی، بلکه یک سیاست دائمی دنبال کنند، می‌توانند الگویی برای سیاست‌ورزی اجتماعی مبتنی بر عدالت باشند.

ادغام ورزش با معیشت، با امنیت شغلی، با سلامت روان، یعنی فراتر رفتن از رویکرد قهرمانی‌زده رایج در ورزش رسمی کشور. جایی که کارگر نه تماشاچی لیگ حرفه‌ای، بلکه قهرمان میدانی باشد که به چشم می‌آید.

ورزش کارگری را باید در ردیف سیاست‌های اجتماعی موفق شوریهایی دانست که فهمیده‌اند سرمایه انسانی تنها در دانشگاه‌ها یا المپیک‌ها خلق نمی‌شود. بلکه درست آن جایی متولد می‌شود که کسی میان دو شیفت کار، در سالن تنیس روی میز یک کارخانه، تمرین می‌کند و شب‌ها با کتف خسته، برای کشتی ساحلی آماده می‌شود. حمایت از این ورزش یعنی حمایت از زیست انسانی کارگران. و این، نه لطف است، نه هدیه، بلکه بخشی از عدالت اجتماعی است که سال‌ها از آن فرار کرده‌ایم.

رغبتی سرپرست کاروان ایران در المپیک ناشنوایان شد

علی رغبتی سرپرست کاروان ورزش ناشنوایان ایران در بازی‌های المپیک ۲۰۲۵ ژاپن شد. طی حکمی از سوی مصطفی نکولعل آزاد رئیس فدراسیون ناشنوایان، علی رغبتی به عنوان سرپرست کاروان ورزش ناشنوایان ایران در بازی‌های المپیک ۲۰۲۵ توکیو انتخاب شد. رغبتی مدیریت دفتر نظارت و برنامه‌ریزی وزارت ورزش را در کارنامه خود دارد. او در حال حاضر مسئول پروژه توسعه و ارتقاء پاراشنا را برعهده دارد و همچنین مشاور وزیر ورزش و جوانان است.



دنیای سوادار

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۷۹۶

ورزش

خارج از گود



بیشتر از اقتصاد و سرمایه به مدد باشگاه‌های بزرگ آمده و عامل اصلی گذر از بحران می‌شود. با این حال تراکتور که با هواداران پرشور خود در فصل جاری لریه بر اندام هر تیمی انداخته است، در مرحله گذر قرار گرفته و اگر مالک این باشگاه برنامه ریزی دقیقی بلحاظ مدیریتی و مسائل مربوط به صنعت فوتبال کند، لاجرم این تیم در آسیا نیز حرف‌های زیادی برای گفتن خواهد داشت.

ثبات نسبی در نقش جهان

سپاهان چند سالی است که آیتم‌های یک باشگاه نیمه حرفه‌ای را کسب کرده و باید آنان را از این حیث، برترین باشگاه ایران بدانیم. تشکیل پایگاه‌های همنام و جدی گرفتن فوتبال پایه و نیز تصمیمات درست اقتصادی از سپاهان باشگاهی با ثبات نسبی ساخته است. با این حال سران این باشگاه باید ثبات مدیریتی خود را به مستطیل سبز نیز منتقل کنند. این تیم در حالی که در چند فصل اخیر از گزینه‌های اصلی قهرمانی ایران تلقی می‌شد، صرفاً در جام حذفی موفق نشان داده است. سپاهان در آسیا نیز با وجود اینکه تجربه بزرگ فینال آسیا و حضور در جام باشگاه‌های جهان را دارد، هنوز هم تبدیل به غول باشگاهی آسیا نشده است. «یک آناشسیسم پنهان که نوسانی بین تجربه و جوانی را در این تیم به بوته آزمایش گذاشته طلایی‌پوشان را هر ساله آزار داده و از جام دور کرده است». گفتنی است سپاهان در فصل گذشته در پنج دیدار متوالی با نتایجی عجیب قافیه قهرمانی را به سرخابی‌ها واگذار کرده و در فصل جدید نیز با تساوی‌های ناامید کننده به رتبه دوم راضی شده است. آنچه مهم است اینکه سپاهان باید ثبات نسبی خود را به ثبات مطلق نزدیک نماید.

این مدیران بی‌تقصیر

واضح و مبرهن است که در مدیریت دولتی و یا نیمه دولتی و خصولتی فوتبال ایران، مدیران باشگاه‌ها بی‌تقصیر هستند. دست‌کم می‌شود گفت که مقصر اصلی نیستند. این دست از مدیران بسته به تیم پشتیبانی و یا گاهی شانس و اقبال موفقیت‌هایی کسب می‌کنند اما اغلب کمترین نقش را در مدیریت بحران دارند. «شیوه دولتی مدیریت این وضعیت را رقم زده است». با این حال آنچه برای تبدیل شدن باشگاه‌ها به مجموعه‌های موفق مورد نیاز است، تدوین اساسنامه جامع باشگاه‌داری با رویکرد خصوصی سازی حقیقی است. برنامه‌ای با محورهای کوتاه و بلند مدت که تمام سرفصل‌های موفقیت در آن پیش‌بینی شده باشد.

تحولات دوره‌ای مدیران فوتبال ایران زیر ذره‌بین «دنیای هوادار»؛

این مدیران بی‌تقصیر!

حسن صانعی پور

مدیریت به جریان به کارگیری کارآمد و اثربخش منابع مادی و انسانی در چهارچوبه نظام ارزشی پذیرفته شده آن جامعه با در نظر گرفتن اصولی چون برنامه ریزی، سازماندهی، تامین منابع و امکانات، هدایت و کنترل و نظارت بر اساس هدف‌های از پیش تعیین شده گفته می‌شود. تعریفی که در ایران به خصوص در حوزه ورزش و فوتبال به شکل کاملاً ناقص در حال اجراست و درگیر بهانه‌جویی‌های ریز و درشتی چون مدیریت دولتی، سهم‌خواهی‌های منفعت طلبانه و سلیق نامناسب شده است. در این بین چند باشگاه بزرگ ایران که در حقیقت سرمایه ملی و بیت المال محسوب می‌شوند، به همین دلایل دچار حواشی غیر قابل پیش‌بینی شده و به لحاظ اقتصادی زیان آور و به لحاظ اجتماعی دچار بحران گردیده‌اند.

درویش بی‌نوا

رضا درویش مدیرعامل مستعفی پرسپولیس در سه سال حضورش در این باشگاه عملکرد مناسبی را نسبت به مدیران عامل گذشته از خود بجا گذاشته است. ثبات، ایجاد آرامش، انتخاب‌های نسبتاً درست، صبر و شکیبایی در اجرای تصمیمات از عمده خصوصیات این مدیرعامل بوده که چند قهرمانی را برای هواداران میلیونی این باشگاه به ارمغان آورده است. بی‌گمان هر باشگاه بزرگی بعد از دوران اوج خود خواسته و ناخواسته در سراشیبی قرار گرفته و دچار بحران‌های ریز و درشتی نیز می‌شود. «این اتفاق در فوتبال باشگاهی اروپا که به لحاظ ساختاری شرایط به مراتب بهتری نسبت به فوتبال ایران دارند نیز اتفاق افتاده است». این بدان معناست که باید درویش را در ایجاد شرایط ماه‌های اخیر پرسپولیس مقصر اصلی قلمداد نکنیم. او همچون هر مدیرعامل دیگری با اختیارات اندک اما با مسئولیت‌های فراوان بایستی در چند جبهه گوناگون برای حل مشکلات قرمزپوشان تلاش مضاعف می‌کرد. درویش در مهم‌ترین چالش دوران مدیریت خود با این تفکر که شرایط فوق‌العاده پرسپولیس، به مریدان اجازه مانور بیشتر می‌دهد، در ابتدای فصل به سراغ گاریدو رفت. مریدانی چون گاریدو برای اثبات تفکرات خود نیاز به زمانی بیشتر از یک فصل دارند. «کماینکه مربی بزرگی چون برانکو نیز به چنین فرصتی نیازمند بود». مدیرعامل مستعفی پرسپولیس حتی در خصوص کریم باقری که در دوران کوتاه هدایت پرسپولیس به عنوان سرمربی، عملکرد مناسبی داشت نیز نتوانست بر اساس نیازها و انتظارات این تیم عمل کند و هرچند باقری تمایلی به ادامه کار به عنوان فرد اول نیمکت قرمزپوشان، نداشت، اما تلاشی برای حفظ وی تا پایان فصل به عمل نیامد. دوران طلایی که می‌توانست به ظهور نسل جدید فوتبال این باشگاه منتهی گردد. با این حال باید به درویش در دوران مدیریتش نمره قبولی داد و اگر هواداران در چند بازی اخیر واقع بینانه عمل کرده بودند، تابستانی آرام‌تر را تجربه می‌کردند.

آبی‌های دریدر

«دریدر» بهترین واژه‌ای است که می‌توان در وصف



■ **سردبیر:** مهدی تیموری

■ **صاحب امتیاز و مدیرمسئول:** مهرداد تیموری

■ **صفحه آرا:** امیر بیات

■ **مدیر روابط عمومی:** مهسا تیموری

■ **تحریریه:** دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ **نشانی:** کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ **تلفن - نمابر:** ۳۴۴۹۹۲۵۵ **چاپ:** کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

چهارشنبه ۱۳ دیبهرشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۷۹۶

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

ساعت تابستانی در ایران و جهان

مزایای تغییر ساعت ایران



اثر مثبت بر حمل و نقل شهری و کاهش ترافیک

در صورتی که ساعات شروع و پایان کار با اوج ترافیک هماهنگ شود، جریان ترافیک روان تر خواهد شد و مصرف سوخت نیز کاهش می یابد



کاهش نیاز به سرمایش و گرمایش

تطبیق ساعات کاری با زمان های خنک تر یا گرم تر روز، باعث کاهش نیاز به استفاده از سیستم های سرمایشی یا گرمایشی می شود



سازگاری با تغییرات اقلیمی و بحران های پیش بینی نشده

لایحه پیشنهادی این امکان را به دولت می دهد تا به صورت موقعیتی و بسته به شرایط، تصمیم مقتضی را اتخاذ کند، بی آنکه گرفتار یک تقویم ثابت و خشک شود



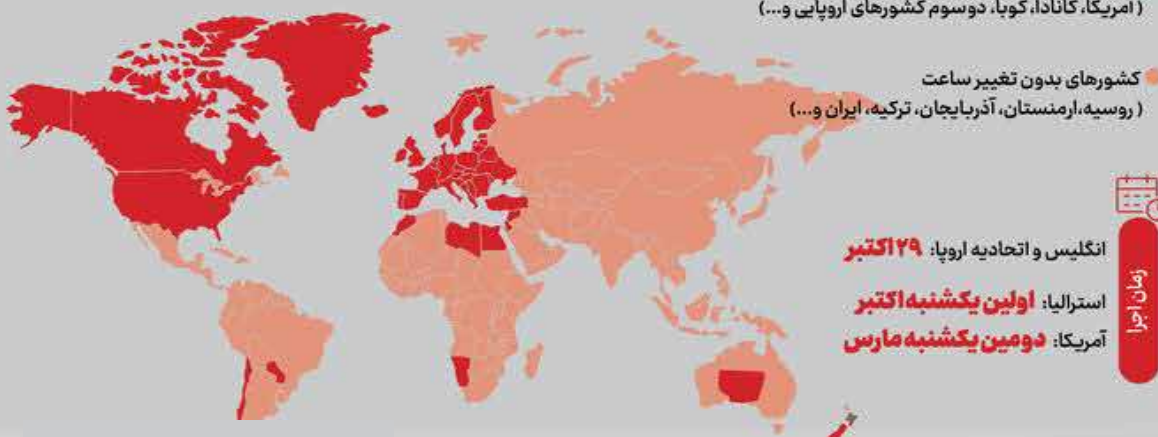
کاهش فشار بر شبکه برق در ساعات اوج مصرف

اگر ساعات کاری با ساعات روشنی روز تطبیق یابد، در زمان های اوج مصرف فشار و بار از روی شبکه برق برداشته می شود و مدیریت شبکه آسان تر خواهد بود.



مصرف بهینه انرژی

اجرای تغییر ساعت رسمی به طور متوسط روزانه باعث کاهش ۹۰۵ مگاوات مصرف برق در اوج بار و صرفه جویی ۲ هزار و ۵۱۳ مگاوات ساعت انرژی شده است. این میزان معادل ظرفیت تولید یک نیروگاه هزار و ۳۰۰ مگاواتی است



تاریخچه تغییر ساعت ایران










۴ فروردین ۱۳۵۷

از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰

۱۳۷۰

اسفند ماه ۱۳۸۴

۳۱ مرداد ۱۳۸۶

۲۸ شهریور ۱۴۰۰

ابتدای ۱۴۰۴

بر اساس مصوبه دولت وقت، برای اولین بار ساعت رسمی کشور در تاریخ یک ساعت به جلو کشیده شد

با شروع انقلاب شکوهمند اسلامی روند تغییر ساعت متوقف شد

دولت مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی مجدداً تغییر ساعت را در دستور کار قرار داد

پس از ۱۵ سال و در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد مصوبه ساعت تابستانی ابطال گردید

با تصویب مجلس، دولت (احمدی نژاد) مکلف به قانونی مشتمل مبنی بر تغییر ساعت رسمی کشور شد

طرح لغو قانون تغییر ساعت رسمی کشور توسط دولت شهید ریسی و مجلس وقت تصویب شد

دولت پزشکیان قصد دارد در روزهای آتی وضعیت ساعت رسمی کشور را به حالت قبل از دولت رئیسی بازگرداند

